

مکاشفہ

# افراط در نوشیدن

جان فلاول





ا به نام او و برای او |

**Binge Drinking:** Taken from 'A Caution to Seamen: A Dissuasive  
against Several Horrid and Detestable Sins',

*The Works of John Flavel, Vol. 5*

Also includes an extract from C. H. Spurgeon's

*John Ploughman's Pictures*

Copyright 2008 by John Flavelet

Published by The Banner of Truth Trust

3 Murrayfield Road, Edinburgh EH12 6EL, UK

P.O. Box 621, Carlisle, PA 17033, USA

Translated into Farsi by Revelation Ministries Inc.

Farsi ISBN: 979-8-9888817-8-0



افراط در نوشتن

# مکاشفه

نشر مکاشفه

افراط در نوشیدن

| نویسنده: جان فلاول |

| ترجمه: گروه مترجمان |

| سرویراستار: نیما علیزاده |

| نوبت چاپ: اول، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵، دی ۱۴۰۴ |

| شابک: ۹۷۹-۸-۹۸۸۸۸۸۱۷-۸-۰ |

| همهٔ حقوق متعلق به خدمات مکاشفه است |

نقل از کتاب با ذکر ماخذ مجاز و هر گونه بهره‌برداری دیگر

منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.



WWW.MOKASHEFEH.COM

# افراط در نوشیدن

جان فلاول





## فهرست

یادداشت ناشر | ۱۳

افراط در نوشیدن | ۱۹

از گناه شنیع مستی بر حذر باش | ۲۵

درآمدی بر جان فلاول، نوشتهٔ مارتین لوید جونز | ۵۹

پشت نویسی‌ها | ۶۱



به سبب جوانی‌ات، از وسوسه‌ها و دام‌ها برحذر باش؛ و بالاتر از همه، مواظب باش که در استفاده از دارایی‌ات خویشتندار باشی و به جماعت نیکو وصل شوی، اگرچه ممکن است به تو لقب پیوریتن را بدهند و مسخره‌ات کنند، اما اهمیتی نده، بلکه شاد و خوشحال باش، زیرا کسانی که مورد تمسخر و تحقیر این دنیای بی‌خدا و عبث قرار می‌گیرند و به آنها لقب پیوریتن یا افراطی داده می‌شود، تو را در جمع خود می‌پذیرند. همچنین باید بگویم، وقتی در این نقطه از زندگی قرار دارم، همان‌طور که مرا می‌بینی، زیر آسمان؛ روحم با هیچ چیزی آرام نمی‌گیرد، به جز کسانی که به آنها لقب مذهبی می‌دهند. آنها افرادی هستند که می‌توانند در زمان مناسب روح خسته را التیام بخشند و من با تجربه این را یافته‌ام...

آخرین سخنان آسمانی پیش از رحلت باشکوه جان،  
مباشر گُنت در کِنمور



## یادداشت ناشر معرفی پیوریتن‌ها

پیوریتن‌ها، اعضای جنبش اصلاحات مذهبی، معروف به پیوریتنیزم بودند که در اواخر قرن شانزدهم، هم‌راستا با جنبش اصلاحات در کل اروپا، در کلیسای انگلستان به وجود آمدند. پیوریتن‌ها که اکثریت کالوینیست بودند، باور داشتند که کلیسای انگلستان بسیار شبیه کلیسای کاتولیک رومی است و باید از مراسم و اعمالی که ریشه در کتاب مقدس ندارند، اصلاح شود. به همین دلیل در سال ۱۶۶۲ پارلمان انگلستان حکم معروفی به نام «قانون یکپارچگی»<sup>۱</sup> را

---

۱. Act of Uniformity؛ قانونی که در سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان وضع شد تا فعالیت همهٔ کلیساها همان‌طور باشد که کلیسای انگلستان ترجیح می‌دهد.

برای کنترل کلیساها وضع کرد، طبق این حکم همهٔ شبانان برای ادامهٔ خدمت باید آن را امضا می‌کردند. بر اساس این قانون، همهٔ کلیساها ملزم به اجرای مراسم کلیسایی خود به یک شکل و آن‌طور که کلیسای انگلستان دیکته می‌کرد بودند. حدود دو هزار پیوریتن این حکم را امضا نکردند و همین باعث شد تا از منصب کلیسایی خود اخراج شوند. این واقعه معروف به «اخراج بزرگ»<sup>۱</sup> است.

پیوریتن‌ها عالمانی بسیار جدی و مصمم بودند که باور داشتند برای اجرای این اصلاحات از طرف خدا ماموریت دارند. به قول جان میلتن، شاعر و نویسندهٔ معروف انگلیسی: «پیوریتن‌ها اصلاح‌کنندهٔ اصلاح‌گران بودند.»

دربارهٔ پیوریتن‌ها باورهای اشتباهی وجود دارد و همواره سعی شده که از آنها تصویری تاریک، خشن و عبوس ارائه شود، اما در واقعیت پیوریتن‌ها افرادی بسیار تحصیل‌کرده، خوش‌پوش، شاد، متشخص و دانا بودند.

متأسفانه پیوریتنیزم به خاطر فشارها و جفاهای بیش از حد، خیلی دوام نداشت و دورهٔ پیوریتن‌ها را می‌توان بین ۱۵۳۰ تا ۱۶۶۰ میلادی در نظر گرفت. زندگی نامه‌ها و نوشته‌های آنها حاکی از آن است که این افراد، حقیقتاً گروهی خاص در تاریخ مسیحیت بوده‌اند. آنها به معنای واقعی، مسیحیان بالغی

---

۱. Great Ejection؛ حدود دو هزار پیوریتن به دلیل مخالفت و امضا نکردن «قانون یکپارچگی» از کلیسا اخراج شدند.

بودند که برخلاف مسیحیت عصر ما به دنبال شهرت، مقام، پول، موفقیت و خودمحوری نبودند. آنها به راستی ابراسان و قهرمانان ایمان مسیحی بودند. انسان‌های بزرگی که به درستی خدای بزرگی را خدمت می‌کردند. آنها فقط شنوندگان کلام نبودند، بلکه فارغ از چالش‌ها و جفاها، عمل‌کنندگان کلام بودند. وفاداری و جدیت نسبت به کتاب مقدس، الهیات عهد، مسیح محوری، قداست و جلال خدا، از برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین تاکیدات پیوریتن‌ها می‌باشد.

موعظات و تعالیم پیوریتن‌ها بسیار کاربردی و عمیق هستند و مسیحیان قرن بیست و یکم از این تعالیم می‌توانند بهره‌ فراوانی ببرند. به قول سینکلر فرگوسن<sup>۱</sup>: «مطالعه آثار پیوریتن‌ها که معروف به طبیبان روح هستند؛ مانند ورود به دنیایی بسیار غنی از الهیات روحانی است، برای فکر و قلبی که همواره در پی کاوش درون خود است. پیوریتن‌ها با فیض، قلب شما را تسخیر و تبدیل می‌کنند و شما را با مشاوری‌های حکیمانه در زندگی راهنمایی می‌نمایند.»

به دلیل اهمیت و ارزش متون پیوریتن‌ها، «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه» در راستای ترویج تعلیم صحیح و مجهز کردن کلیسای فارسی‌زبان، بر آن شد تا این سری کتابچه‌های ارزشمند از پیوریتن‌ها را ترجمه و منتشر کند.

این سری کتابچه‌ها معروف به «پیوریتن‌های جیبی»

---

1. Sinclair Ferguson

(Pocket Puritans) هستند. این مجموعه، هرچند کوچک اما بسیار عمیق و کاربردی می‌باشد و تا امروز میلیون‌ها مسیحی را در ابعاد مختلف زندگی مسیحی‌شان کمک کرده است.

### درباره کتاب حاضر

کتاب «افراط در نوشیدن»<sup>۱</sup> اثر جان فلاول<sup>۲</sup> (۱۶۲۸-۱۶۹۱) است. فلاول یکی از واعظین و خادمین کلیسای مشایخی انگلستان و نویسنده‌ای برجسته بین پیوریتن‌ها بود. او تحصیل کرده آکسفورد و از واعظینی بود که در «اخراج بزرگ» سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان از منصب خود خلع شد، اما همچنان در خفا به موعظه انجیل ادامه داد.

فلاول در این کتاب به افراط در نوشیدن و مستی اشاره می‌کند. موضوعی که خیلی‌ها بر این باورند، پدیده و معضلی مدرن است اما در حقیقت معضلی قدیمی محسوب می‌شود و فلاول در این کتاب بدون تعارف و تخفیف به سراغ گناه مستی می‌رود، عملی گناه‌آلود و مخرب جان. باعث خرسندی است که در «نشر مکاشفه» می‌توانیم پیوریتن‌ها را به جامعه مسیحی فارسی‌زبان معرفی و در شناخت این مقدسین و نوشته‌های آنها گامی برداریم. باشد که مطالعه این مجموعه شانزده جلدی در کنار بقیه متون

1. Binge Drinking

2. John Flavel



منتشرشده توسط «سازمان خدمات مسیحی مکاشفه»،  
باعث روشننگری ذهن و ضمیر مخاطبان شود تا همه  
خوابیدگان از خواب غفلت بیدار شده و برای جلال خدا،  
مانند بالغان در روح، زندگی و رفتار کنند. آمین.

نیما علیزاده

شبان و مؤسس «خدمات مسیحی مکاشفه»



## افراط در نوشیدن

در کتاب پیشین<sup>۱</sup> خود سعی کردم روحانیت را با موضوعات زمینی در هم ادغام کنم و افکار شما را به اندیشه‌هایی متعالی‌تر و بالاتر ارتقاء دهم تا متوجه شوید که ترجیحا امور زمینی می‌توانند پله‌ای به آسمان باشند، نه سنگی پیش پای شما. از این حیث، این بهترین توصیه من به شماست تا در مسیر رسیدن به بندرگاه آرامش و سعادت ابدی شما را هدایت کند.

در این کتاب هشدارهایی درباره سنگ‌ها و ریگ‌های روان خطرناکی که در سمت چپ شما هستند، داده‌ام؛ جایی که میلیون‌ها روح جانشان را از دست داده‌اند و دیگرانی تعددا

---

1. A New Compass for Seamen: or, Navigation Spiritualized

به سمت هلاکت خود می‌دوند. گناهای مانند مستی، ناپاکی، ناسزاگویی‌های رکیک، خلف وعده در پیمانی که با خدا بسته شده و بی‌حرمتی‌های خداناباورانه و بی‌اعتنایی به مرگ و ابدیت، از جمله گناهان شنیع هستند. همه آنچه بدان هشدار دادم و چراغی که برافراشتم، برای کشف این بود که خطر کجا در کمین شما نشسته است. اگر با کله شقی به پیروی از شهوات خود ادامه دهید و حاضر به بازگشت و اصلاح نباشید، بدون هیچ توجیهی هلاک می‌شوید. وجدان من در این مورد آسوده است.

لطفاً رک‌گویی ناگزیر من را طوری به عنوان توبیخ ملوانان برداشت نکنید که گویی من آنها را در برابر جهان بدتر از آنچه هستند، نشان داده‌ام. با این حساب به نظرم اگر دلخوری هم ایجاد شده باشد، سه یا چهار نکته شایان توجهی که در ادامه به آنها اشاره کرده‌ام، منجر به چشم‌پوشی از تقصیرم می‌شود. اول: اگر چنین برخورد واضح و صریحی برای شفای شما لازم است و خاطر شما را مکدر می‌کند، بهتر است شما آزرده‌خاطر شوید، نه خدا. خادمین غالباً در تنگناهای تاسف‌باری گرفتار می‌شوند و بین سیلا و کریئیدیس<sup>۱</sup> دریانوردی می‌کنند. اگر آن قدری که اهمیت موضوع ایجاب

---

۱. سیلا و کریئیدیس، دو هیولای دریایی از اساطیر یونان هستند که توسط هومر مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ برخی از سنت‌های یونانی، محل آنها را در دو طرف تنگه مسینا و مقابل یکدیگر، در نظر گرفته‌اند.

می‌کند صریح و رک صحبت نکنیم، خشم خدا؛ و اگر آن‌طور که باید بی‌پرده باشیم، خشم انسان را برافروخته‌ایم. چطور باید از تنگنا خلاص شویم؟ ظاهراً یا خدا باید آزرده‌خاطر شود یا شما و اگر این امر اجتناب‌ناپذیر است، ترجیح می‌دهم با خشم شما ریسک کنم، چون به نظر من خشم انسان قابل تحمل‌تر است.

دوم: شاید رنجیده باشید اما اگر ضرورت و نتیجه این طرز برخورد با روح‌تان را می‌دیدید، آزرده نمی‌شدید. اگر منطقی‌تر به موضوع نگاه کنید، متوجه می‌شوید و حرفم را تصدیق می‌کنید. اگر ببینم دیوار بلندی در حال فرو ریختن است و هر آن ممکن است روی شما آوار شود و به خاطر خطر سقوط دیوار، شما را ناگهان کنار بکشم و بازوی‌تان از مفصل در برود، از من عصبانی می‌شوید؟ معلوم است که عصبانی نمی‌شوید. اینجا وضعیت دقیقاً همین است: «پس این گناه برای شما همچون دیواری خواهد بود شکاف‌خورده و شکم‌دار، که در یک آن به ناگاه فرو می‌ریزد» (اشعیا ۳۰: ۱۳).

سوم: وقتی در شرایطی هستید که مصیبت و لعنت از سر و روی آن می‌بارد اما حتی تاب شنیدن درباره‌ آن را ندارید، عین دیوانگی است. چرا؟ اینکه بدبختی‌تان را پنهان کنید و مدتی خود را به نشنیدن بزنید، چه سودی برای شما دارد؟ اگر همین‌طور ادامه بدهید؛ مجبور می‌شوید با این خشم روبه‌رو گردید و رگبارهای اندوه‌بار گوش‌خراش‌تری را از احساسات

و افکار درونی تان بشنوید. شنیدن این حرف‌ها از زبان ما برای شما قابل تحمل نیست، اما روزی وجدانتان با ندایی به مراتب هولناک‌تر از آنچه من در اینجا به کار بردم، برایتان موعظه خواهد کرد.

چهارم: من این گناهان را با بی تفاوتی به همه ملوانان نسبت نمی‌دهم. نه، من می‌دانم که افراد برگزیده و خوبی در میان شما هستند که از ناسزاگویی می‌ترسند و از آنچه بوی نفسانیت می‌دهد، کراهت دارند. (شک ندارم که) ایشان در چشم غریبه‌هایی که با آنها گفت‌وگو می‌کنند، مایه اعتبار و شکوه ملت انگلیسی ما هستند. با این همه، گمان نمی‌کنم که همه شیرین میان آنها به یک اندازه در این شرارت‌ها گناهکار باشند. زیرا هرچند همه افراد بی بهره از فیض الهی به یک اندازه تحت حاکمیت فساد ذاتی هستند، اما لزوماً به طور یکسان از آن پیروی نمی‌کنند و گناهان کنونی به یک اندازه بر آنها چیره نشده است؛ حتی میان افراد دور از خدا هم در این زمینه تفاوت بزرگی وجود دارد که برخاسته از آداب و رسوم، قانون اساسی، توانایی‌ها، تحصیلات و تفاوت در نحوه سرپرستی و مدیریت روح القدس در تعلیم، اقناع و چک کردن وجدان و باطن فرد است. زیرا هرچند خدا بانی گناه نیست، اما او قانونگذار گناه است. این موضوع در میان افراد شرور هم، تمایز بزرگی ایجاد می‌کند. برخی از این افراد به اخلاقیات خوبی پایبند هستند، هرچند که اصول فیض

الهی را ندارند، اما شخص را به فردی مبادی آداب و موقر تبدیل می‌کنند ولی خبری از زندگی مقدس و روحانی نیست. افراد دیگری هم هستند که هرچند زندگی آنها در آتش یک شهوت می‌سوزد، اما در دام بقیه شهوت‌ها نیفتاده‌اند. منبع فساد درست مانند عصاره زمین است؛ هرچند که ماده تمام میوه‌هاست، اما در بعضی زمین‌ها با برخی بذرها سازگاری بیشتری دارد و همین‌طور در گیاهان نیز در یک درخت به سیب و در دیگری به گیلاس تبدیل می‌شود. فساد ذاتی هم همین‌طور است؛ در یک فرد بیشتر به ناسزاگویی و در دیگری به ناپاکی و در یکی به مستی متمایل می‌شود. شهوت، چیزی جز عطش فاسد مخلوق، به چیزهای گناه‌آلود نیست و از این حیث میل فاسد روح به گناه، درست مانند علاقه و اشتها به غذاست. یکی این خوراک و دیگری آن خوراک را بیشتر از بقیه دوست دارد. تنوع سلیقه بی‌حد و حصری که در مورد غذا وجود دارد، درباره گناه هم صدق می‌کند.

برای رفع کدورت، زیاد صحبت کردم و اکنون از شما تمنا دارم که آنچه در ادامه مطرح می‌کنم را به دقت مطالعه کنید. به شواهد همراه این موارد توجه کنید؛ متون مقدس ادعاشده را پیدا کنید و ببینید آیا به درستی نقل قول شده‌اند و کاربردشان در مورد موضوع مد نظر صحیح بوده یا خیر. اگر چنین است، بارعشه به حقیقتی که می‌خوانید بنگرید و تمایلات گناه‌آلود خود را بیرون آورید تا نابود شوند! آیا تا

مرگ و جهنم بین شما و این اعمال پلید جدایی نیندازد، از آنها دست نخواهید کشید؟ آه! اگر فیض، این کار را انجام بدهد بیشتر به نفع شما نیست؟ از آنجا که بسیاری از شما متوجه خطر نشده و به فکر چاره هم نیستید، در اینجا من از همه کسانی که قلبشان به خاطر بستگان نگون بخت خود، روابط بد، کسانی که در حال فرورفتن، غرق شدن و هلاکت هستند متأسف است؛ خواهش می‌کنم هشدارهایی که در ادامه آمده است را برای برکت جوییدن به حضور خدا ببرند و سپس آنها را به کار بگیرند. ای کاش همه کارفرمایان دیندار، افراد تحت امرشان را به خرید و مطالعه دقیق این کتاب ترغیب کنند.



## از گناه شنیع مستی بر حذر باش

هوشیار باش و از گناه شنیع مستی دوری کن؛ چرا که گناهی حیوانی و جنونی خود خواسته است. گناهی است که انسانیت تو را مخدوش می‌کند و تو را به شباهت حیواناتی که به هلاکت می‌رسند، درمی‌آورد. بله شما را به جایگاهی پایین‌تر از حیواناتی که در نوشیدن افراط نمی‌کنند یا اگر هم بکنند گناهی از آنها سر نزده است، می‌کشاند. یکی از پیشینیان، مستی را این‌طور توصیف می‌کند:

«بیماری سر، نابودگر حواس، تندبادی در زبان،  
طوفان نفس، شکست نیکویی، اتلاف وقت، جنون  
خود خواسته، شر دلپذیر، زهر نوشین، گناه شیرین  
که هر که به آن مبتلا شد از خود بی‌خود گشت و

هر که مرتکب آن شد فقط گناه نکرد، بلکه با گناه یکی شد.»

گناهی است که هوشیارترین بی‌دینان را روسیاه و شرم‌منده کرده است. مردم اسپارت نزد فرزندانشان فرد مست را انگشت‌نما می‌کردند و با طرز نگریستن به او، گویی که او یک هیولاست، موجب نفرت فرزندان خود از این گناه می‌شدند؛ آن‌طور که سیسرون<sup>۱</sup> می‌گوید: «حتی اپیکور<sup>۲</sup> هم که خوشبختی را در لذت تعریف می‌کرد، در نوشیدن اعتدال داشته است.» در میان بی‌دینان از او به عنوان مردی بسیار نیکو و شخصی که برای روغن چراغ بیشتر از شراب در بطری هزینه می‌کرد، یاد شده است. زمانی جلال مسیحیت نیز در بزرگان آن آشکار می‌شد؛ ترتولیان<sup>۳</sup> دربارهٔ مسیحیان اولیه می‌گوید: «آنها جز برای دعا نمی‌نشستند، جز به اندازهٔ رفع گرسنگی نمی‌خوردند، در نوشیدن از مرز خوشتنداری تجاوز نمی‌کردند. می‌خوردند و می‌نوشیدند و به یاد داشتند که باید بعد از آن دعا کنند.» اما اکنون صورتمان از دیدن شهوترانانی درنده‌خوی که خود را با نام شهوتشان می‌ستایند و زیر بال‌های آن پناه می‌گیرند، از خجالت سرخ می‌شود. ارتکاب به این گناه توسط ملوانان، در میان آنها که به

۱. Cicero؛ خطیب، سیاست‌مدار و فیلسوف بنام رومی.

۲. Epicurus؛ فیلسوف و حکیم یونانی و بنیانگذار مکتب اپیکوریزم.

3. Tertullian

مسیحیت معترف‌اند، چقدر متداول است؟ این عطش سیری‌ناپذیر یک بیماری است که به‌ویژه در میان قشر طبقه پایین و خشن‌تر شیوع دارد. برخی از آنان مست، رهسپار شده‌اند و اساس سفر دریایی‌شان را بر گناه بنیان نهاده‌اند. عجب تدارکاتی! نمی‌دانند که آیا دوباره سرزمین مادری خود را خواهند دید یا نه؛ طوفان بعدی ممکن است آنها را روانهٔ ابدیت کند؛ این وداع آنهاست، این تدارکات آنها برای ملاقات با خداوند است. بنابراین هنگام بازگشتشان، به‌رغم دیدن اعمال مهیب و عجیب خداوند با چشمان خود و محافظت عجیب خدا از آنها در فجایع مهیب و عظیم، به محض اینکه از خطرات جان سالم به در می‌برند، به‌گونه‌ای پاسخ محبت خدا را می‌دهند که گویی نجاتشان تنها برای ارتکاب این اعمال زشت و ناپسند بوده است. اما بعد از طی چند ساعت یا چند روز، همان‌طور که مزمو ۱۰۷:۲۷ می‌گوید مانند مستان تلوتلو می‌خورند و در اقیانوس طوفانی به این طرف و آن طرف رانده می‌شوند. ممکن است آنها را ببینید که از شدت مستی در خیابان تلوتلو می‌خورند و سکندری می‌روند و همهٔ آن رحمت‌ها و نجات باارزش خود را در فنجان‌های نوشیدنی‌شان غرق می‌کنند.

خوانندهٔ عزیز! اگر تو هم زیر یوغ تقصیر این گناه هستی؛ به‌خاطر خدا هم که شده خیلی زود فکری به حال خود کن و آنچه اکنون برای قانع کردن، فروتن شدن و اصلاح تو می‌گویم

را در ترازوی منطق آدمی بسنج.

برای افشای ماهیت این گناه به کلمات زیادی نیاز ندارم. همه ما اذعان می‌کنیم که مصرف به اندازه شراب و مشروبات الکلی برای تقویت بدن مجاز است، نه اینکه آن را ضعیف کند؛ برای درمان بیماری‌ها مجاز است، نه اینکه آنها را ایجاد کند. پولس به تیموتائوس می‌گوید: «دیگر فقط آب بنوش بلکه به جهت معده خود و ناخوشیهایی که اغلب داری، اندکی نیز شراب بنوش» (اول تیموتائوس ۵: ۲۳). قسمتی که می‌گوید آب نه، بلکه شراب بنوش را علامت بزنی؛ آمبروس<sup>۱</sup> می‌گوید *sed modice* (اما در اعتدال) یعنی به عنوان دارو؛ برای درمان، نه خوش‌گذرانی<sup>۲</sup> که یعنی مصرف شراب می‌بایست در حد اعتدال باشد. شراب باید به عنوان دارو برای درمان مورد استفاده قرار بگیرد، نه به قصد لذت و خوش‌گذرانی. بله، خدا اجازه می‌دهد تا شراب نه تنها برای ضرورت، بلکه برای شادی و نشاطی که به عملکرد مناسب‌تر و سریع‌تر بدن می‌انجامد هم مورد استفاده قرار بگیرد (امثال سلیمان ۳۱: ۷)، اما همه از حدود اعتدال و هوشیاری تجاوز می‌کنند. وقتی افراد آن قدر به نوشیدن ادامه می‌دهند که

۱. Ambrose؛ قدیس مسیحی و اسقف اعظم میلان و یکی از چهار دکتر کلیسا در سده چهارم.

۲. این بخش در متن اصلی به لاتین آمده است:  
Sed modice, (i.e.) modice: pro remedio, non pro deliciis.

شراب، آنها را تحریک می‌کند و عقل و خرد مختل می‌شود (مستی فقدان عقل، ناشی از زیاده نوشیدن است)، زیر یوغ تقصیر این گناه شنیع و هولناک قرار می‌گیرند. می‌توانید برای خوشی و طراوت طبع بنوشید، چون نوشیدن و سیر نشدن بخشی از نفرین است، اما مراقب باشید و زیاده روی نکنید. «شراب تمسخر می‌کند و باده عربده می‌کشد؛ حکیم نیست هر آن که فریفته آنان شود» (امثال سلیمان ۱:۲۰).

گلو محل لغزش است. لغزش گناه به روح از مسیر گلو چقدر می‌تواند آسان باشد؟ لذات نفسانی، قدرتی فریبنده بر روح دارند و از طریق خوی و عادت از آن بهره می‌برند تا روح را به اسارت و تحت سلطه خود درآورند.

مستی، گناهی است که خداوند بر ضد آن در کلامش احکام بسیاری داده و با «وای‌های» زیادی بر علیه آن فریاد زده است: «مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید» (افسیان ۱۸:۵).

«اوقات خود را در بزمها و میگساری و هرزگی و عیاشی و جدال و حسد سپری نکنیم» (رومیان ۱۳:۱۳).

«وای بر آنان که سحرگاهان برمی‌خیزند تا در پی مُسکرات روند، و شب تا دیرگاه بیدار می‌مانند تا شراب ایشان را گرم کند» (اشعیا ۱۱:۵).  
و بسیاری آیات دیگر که اهمیتی رعب‌آور دارند.

در ادامه ده استدلال را با شما در میان می‌گذارم تا برای همیشه شما را نسبت به این شهوت شنیع و پلید، دچار ترس و هوشیاری کنم. ای کاش مثل روایت بلعام، وقتی در پی شهوات نفسانی خود می‌روید، فرشته‌ای راه شما را می‌بست.

### استدلال شماره ۱

مستی، گناهی است که باید با جدیت از آن دوری کرد. باید به یاد داشته باشیم که مستی سوءاستفاده‌ای بزرگ از فیض و نیکویی خدایی است که برای ما تازگی و طراوتی شیرین مهیا کرده است تا به ما بر زمین زندگی آرامی عطا کند.

در آدم، مانده تنها همه امتیازات خود را نسبت به نعمت‌های آسمانی از دست دادیم، بلکه حق برخورداری از تمام فیض‌های زمینی را نیز از کف دادیم. احتمالاً خدا شما را از رحم مادر وقتی هنوز گناهکار بودید برگزیده باشد. اما مدتی طولانی را در رحم مادر سپری کردید و بعد بلافاصله در جایی که شایسته آن بودید، قرار گرفتید. شما حق داشتن یک قطره آب، بیشتر از آنچه فضل خدا به شما بخشیده بود نداشتید. این در حالی است که او می‌توانست شما را به محض ورود به دنیا، پیش از آنکه حتی فرصتی بیابید، از آن بیرون کند. ممکن بود تمام آن ایام فیضی که تا به حال روی زمین تجربه کرده‌اید، در ناله و مصیبت و صف‌ناپذیری در جهنم سپری شوند. پس لطف و نیکویی خداوند را نسبت به خودتان بنگرید.

من می‌گویم این فیض و نیکویی را ببینید و حیرت کنید!  
خدا سالیان متمادی متحمل شما شده است تا روی زمینی  
که به منظور رفع نیازهای شما و برای شادی شما آماده و  
تجهیز شده است زندگی کنید. زمینی که روی آن قدم  
می‌گذارید «(خدا) از دل آن خوراک برآورد، و شراب را تا دل  
آدمی را شاد گرداند» (مزمور ۱۰۴: ۱۴-۱۵) و شما این طور به  
خدا پاسخ می‌دهید؟ آیا فیض خدا دشمنی را مسلح کرده  
تا با ابزارهای فیض، علیه آن فیض برخیزد؟ آه که همیشه  
این غنای نیکویی و فضل و صبر خدا که شما را به توبه سوق  
می‌دهند، باید مورد سوءاستفاده قرار بگیرند! اگر خدا تا این  
حد بخشنده نبود، شما هم آن قدر گناهکار نمی‌شدید.

## استدلال شماره ۲

مستی، جایگاه انسان را به عنوان اشرف مخلوقات تنزل داده  
و او را به مثابه حیوانی که هلاک می‌شود، می‌گرداند. مکتوب  
است که شراب دل و جرات (یعنی خرد و نبوغ) آدمی را  
می‌رباید (هوشع ۴: ۱۱) و همان طور که نبوکدنصر، قلب انسانی  
خود را از دست داد و به جای آن قلبی حیوانی به او داده شد  
(دانیال ۴: ۳۲)، شراب نیز آدمی را حیوان صفت می‌کند.

دل آدمی بلند نظری و شور خودش را دارد؛ روحیه دلیری،  
قاطعیت، توانایی و آمادگی انسان برای انجام کارها و  
فعالیت‌های شریف و شایسته در قلب او نهفته است، اما

شهوت انسان این قدرت بارز او را به آتش سوزانده؛ در گودال هوسرانی و افراط، سرکوب و غرق می‌کند، زیرا به محض اینکه فردی تحت سلطهٔ این شهوات قرار می‌گیرد، حاکمیت عقل کنار گذاشته می‌شود. عقلی که می‌بایست نیرویی سرکوبگرانه بر تمایلات نفسِ اعمال کند، کنار رفته و شهوت و هوس، افسار همه چیز را به دست می‌گیرند. بنابراین مانند حیواناتی که رفتاری برآمده از غریزه دارند؛ دیگر نه با عقل و درایت، بلکه از سر هوی و هوس عمل می‌کنند.

روح آدمی خود را به لذت‌های عقلانی و وارسته مشغول می‌دارد و روح حیوان تنها با لذایذ پست، ناپاک و کثیف سازگار است. شما وجهی از فرشته و وجهی از حیوان، درون خود دارید. روحتان بخشی از ذات فرشتگان و جستماتن بخشی از خوی حیوانات در خود دارد. آه! چند نفر با خوراک دادن به حیوان، فرشته را از فرط گرسنگی به کشتن می‌دهند؟

در فصل ابتدایی کتاب پیدایش می‌خوانیم که خداوند شما را بر تمامی مخلوقات، مسلط کرده است اما به واسطهٔ این شهوت، مطیع خلق شده و قدرت مخلوق بر شما مسلط می‌شود (اول قرنیتان ۶: ۱۲). اگر خداوند سر یا پای یک حیوان را به شما داده بود، آیا به عنوان یک مصیبت بزرگ به آن نگاه نمی‌کردید؟ آیا داشتن دلی حیوانی چیز کم‌اهمیتی است؟ آه! این را هم اسفناک به شمار آورید.



### استدلال شماره ۳

مستی گناهی است که شما را به گمراهی می‌کشاند و باعث می‌شود به جسمتان آسیب برسانید.

بدن، ابزار روح است؛ ابزاری که در دستان هنرمندی زبردست قرار گرفته است. شهوت مستی هم موجب کرختی بدن شده و هم آن را تباه کرده، باعث می‌شود شایستگی بدن برای خدمتی که به منظور آن خلق شده به کلی از بین برود. بدن شما اثری شگفت‌انگیز است که برخلاف دیگر مخلوقات، نه با یک کلام دستوری، بلکه با کلام تدبیر و حکمت خلق شده است؛ مزمورنویس می‌نویسد: «عجیب و مهیب ساخته شده‌ام... در ژرفای زمین تنیده می‌شدم» (مزمور ۱۳۹: ۱۴-۱۵) یا به بیان عامیانه، آکاپیکتوس<sup>۱</sup>، یعنی مانند «لباسی که با مهارت گلدوزی شده» است با سوزن و رنگ‌های متنوع، صورت‌گیری شده‌ام. این همه اندام، این همه شگفتی را ببینید! به قول شخصی، آن قدر معجزه بین سر تا پا وجود دارد که با آنها می‌شود یک جلد کتاب نوشت. شخص دیگری می‌گوید شیوه عملکرد چشم آن قدر عجیب و شگرف است که برخی خدا ناباوران را در اولین مشاهده از چشم، مجبور به تصدیق وجود یک خدا کرده است. به طور خاص، عضله پنجم چشم که عامل تمایز انسان از دیگر موجودات است، شگفت‌انگیز می‌باشد. چشم سایر مخلوقات، دارای

---

1. Acupictus sum

چهار عضله است که اولی مربوط به حرکت به سمت پایین، دومی برای نگاه کردن به جلو، سومی حرکت به راست و چهارمی حرکت به چپ هستند، اما هیچ موجودی چشم خود را مانند انسان به سمت بالا حرکت نمی‌دهد.

حال خود قضاوت کنید؛ آیا خداوند چنین اثر ظریف و کنجکاوی را خلق کرده و آن را با روحی که بارقه و پرتوی از نور خودش است، جان بخشیده؛ روحی که حرکاتش چنان سریع، گوناگون و خستگی‌ناپذیر است که پروازهای منطق و خردش تا قله‌های والا اوج می‌گیرد. به نظر شما خداوند این شاهکار بی‌نظیر، برترین و باشکوه‌ترین خلقت را، که نشانه و چکیده کل جهان است، فرستاده تا فقط یک صافی برای گوشت و نوشیدنی و اسفنجی برای مکیدن شراب و آبجو باشد؟

آیا می‌توانید در قبال سوءاستفاده از بدنتان و تباهی آن پاسخگو باشید؟ با این افراط‌کاری بدنتان را به بیماری‌های بی‌شمار دچار می‌کنید و جسمتان زیر بار امراض، رنجور و ضعیف می‌شود. سرانجام حیات شما مانند فانوسی رو به خاموشی نهاده و شعله زندگی شما به دلیل روغن زیاد خاموش می‌شود. جِروم زانکیوس<sup>۱</sup> می‌گوید: «مستی،

---

۱. Jerome Zanchius؛ جِروم زانکیوس (۱۵۱۶-۱۵۹۰)، روحانی پروتستان ایتالیایی که در سال‌های پس از مرگ جان کالوین بر توسعه الهیات ریفورم تاثیرگذار بود.

آغاز بیماری‌های بی‌شماری مانند: آپولکسی<sup>۱</sup>، نقرس، فلج شدن، مرگ ناگهانی و لرزش دست و پا می‌شود.» بدین ترتیب، افراد لعنت قائن را بر خود می‌آورند. آمبروس می‌گوید: «در مقایسه با شمشیر، مستی قربانیان بیشتری گرفته است.» آه! تصور اینکه در بستر مرگ بفهمید که تمامی این دردها و رنج‌ها ثمرهٔ افراط و زیاده‌روی شما بوده خیلی هولناک است! «وای از آن کیست و ولوله از آن که؟ نزاع از آن کیست و ناله از آن که؟ زخمهای بی‌سبب از آن کیست و چشمان سرخ از آن که؟ آنان راست که تا دیروقت دل از شراب بر نمی‌کنند، و در پی چشیدن شرابهای برآمخته می‌روند.» (امثال سلیمان ۲۳: ۲۹-۳۰).

طبق آنچه آیات بر شمرده‌اند و این سبک زندگی نشان می‌دهد، بر شمردن بلایایی که مستی بر سر انسان آوار می‌کند، دشوار است. همان‌طور که حشرات موذی وارد انبارهای پر از غلات فراوان می‌شوند، بیماری‌ها نیز در بدن می‌خواران همیشگی، که انباشته از مواد هضم نشده است، به فراوانی یافت می‌شوند. فکر می‌کنم حتی اگر دلتان به حال روح بینوایان هم نسوزد و نسبت به جلال خدا هم بی‌اعتنا باشید، باز هم چنین استدلال منطقی و معقولی دربارهٔ جسمتان باید شما را به خود آورد و تکان دهد.

---

۱. در گذشته به هر نوع خونریزی اعضای داخلی بدن می‌گفتند.

## استدلال شماره ۴

مستی دارایی هایتان را تباه می‌کند و همه داشته‌هایتان را به باد می‌دهد و فقر را روز به روز افزون‌تر می‌سازد. فرد می‌خواره، ژنده‌پوش و محتاج لقمه‌نانی می‌شود.

سلیمان نبی در امثال ۱۷:۲۱ عاقبت کار شما را این‌طور می‌خواند: «دوستدار شراب و روغن دولتمند نخواهد گردید.» عیاشی و نداری به‌ندرت از هم گسستنی هستند. وقتی خبر فروش خانه یک می‌خواره به گوش دیوژن<sup>۱</sup> حکیم رسید، گفت: «می‌دانستم دیری نمی‌پاید که خانه‌اش هم استقراغ می‌کند.» واژه عبری ִשְׁכָּח (رَحَدَش) و واژه یونانی ασωπα (آسوپا) به معنای «بی‌بندوباری و عیاشی» است. واژه عبری، ترکیبی از دو کلمه به معنای «فقر خواهی بود» است و واژه یونانی، به معنای «از دست دادن مالکیت آنچه در دست داری» می‌باشد. «میگساران و شکمبارگان به فقر گرفتار خواهند آمد» (امثال ۲۳:۲۱). در زبان عبری به این معناست که فرد حق ارث و مالکیت خود را از دست می‌دهد. مستی نه تنها عقل انسان را، که میراثی گرانبها و عظیم و هدیه‌ای از سوی خداوند است، از او سلب می‌کند، بلکه اموال او را هم تباه می‌سازد. مستی، تمام آن چیزی را به باد می‌دهد که یا از

۱. Diyojen؛ فیلسوف و حکیم یونانی و از بنیانگذاران مکتب کلبیون که با لقب «فیلسوف گدا» هم شناخته می‌شود.

طریق دورانیشی و تلاش نیاکان شما به دست آمده و یا با برکت خداوند بر کوشش خودتان به دست آورده‌اید. فکر کردن به این موضوع (از دست دادن دارایی) درست مانند نیش مار، چقدر عذاب‌آور خواهد بود. سِنِکای جوان روایت می‌کند که آپیکوس<sup>۲</sup> رومی وقتی می‌شنود نصیب او از میراث پدری تنها هفتصد تاج است، در اندوهی بس عظیم فرو می‌رود و از ترس نداری خود را حلق آویز می‌کند. از دست دادن دارایی، خانواده را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد و غم و مصیبت بر خانواده تحمیل می‌کند؛ در واقع آن فرد، اشک و خون همسر و فرزندانش را سر می‌کشد. وقتی روز داوری از راه برسد، به خدا حساب پس خواهند داد! باور کنید هر قرانی که از اموال شما کم شود، خداوند از شما بازخواست خواهد کرد که آن را چگونه به کار برده‌اید. اگر این پول را به جای رفع نیاز خانواده خود یا افراد نیازمند (که به آن فرا خوانده شده‌اید) صرف عیاشی و شهوترانی خود کرده باشید؛ هزار برابر بیشتر تاوان پس خواهید داد. خرجی اسفناک که تاوانی وحشتناک به دنبال دارد.

---

۱. Lucius Annaeus Seneca؛ فیلسوف رواقی، سیاست‌مدار، نمایشنامه‌نویس و مشاور پرنفوذ نرون در سده اول پیش از میلاد.

۲. Apicus؛ او به خاطر عشق به عیاشی و تجمل‌گرایی در میان همعصران خود زبانزد بود.

## استدلال شماره ۵

به شخصیت‌های فرومایه و مفتضحی که روح خدا بر میگساران تحمیل می‌کند، دقت کنید.

کتاب مقدس از آنان به عنوان افراد بدنام و شنیع یاد می‌کند. وقتی عیلی گمان کرد که حنّا مست است، حنّا به او گفت: «کنیزت را زنی فرومایه<sup>۱</sup> می‌پندار» (اول سموئیل ۱۶:۱). در واقع از نقطه نظر کتاب مقدس، دختر یا پسر بلیعال جزء شرورترین افراد هستند. بنابراین مزمور ۱۲:۶۹ می‌گوید: «موضوع گفتگوی دروازه‌نشینانم و ترانه میگساران گشته‌ام.» به عبارتی این مردان از پست‌ترین و فرومایه‌ترین افراد هستند که آشکارا به عنوان مخالفان معرفی می‌شوند؛ کسانی که با دروازه‌نشینان که اشخاصی شریف هستند، مخالفت می‌کنند. خداوند در اول قرنیتان ۵:۱۱ از قوم خود می‌خواهد که با جامعه فتنه‌انگیز معاشرت نکنند و با آنها همسفره نشوند. کتاب مقدس به چنین کسانی برچسب خداناباوری می‌زند. آنها قوه تشخیص و انتظار برای روز داوری را از دست داده‌اند، نه به جهان دیگر می‌اندیشند، نه منتظر آمدن خداوند هستند (متی ۲۷:۲۴). این افراد با خود می‌گویند خداوند در آمدنش تاخیر کرده است و به دام میگساری باستان می‌افتند. یا فکر آمدن آن روز، آنها را وادار به شکستن جام‌هایشان می‌کند، یا جام‌هایشان فکر آمدن چنین روزی را در خود غرق می‌کند.

---

۱. دختر بلیعال.

آیا حقارت، خواری و ننگی که روح خدا با این گناه عجین کرده است، منجر به بیزاری از این گناه نمی شود؟ آیا همه خدا ترسان و افراد اخلاق مدار از فرد میگسار بیزار نیستند؟ به نظر شرمی که از پی این گناه می آید، باید به عنوان حفاظی شما را از این گناه دور نگه دارد.

### استدلال شماره ۶

در کمال تاسف باید این موضوع را در نظر بگیرید که روح القدس، در روحی که لگامش در دست این شهوت است جایی ندارد. زیرا با اولین مکاشفه از فیض خدا، روح انسان سلطنت نفس را انکار می کند.

«زیرا فیض خدا به ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات بخش است و به ما می آموزد که بی دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خویشتنداری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست کنیم» (تیتوس ۲: ۱۱-۱۲). این آیات بیانگر اولین تأثیرات مکاشفه فیض خدا هستند. در واقع مستی در میان بی دینانی که در ظلمت جهل گم شده اند، دیده می شود اما باشد که هرگز در میان فرزندان روز، نامی از این گناه نباشد. «آنان که مست می کنند، شب هنگام مست می کنند. اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هوشیار باشیم» (اول تسالونیکیان ۵: ۷-۸). رسولان اغلب به این نکته اشاره می کردند که شراب و روح القدس تناسب و سازشی با هم

ندارند، «مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید» (افسسیان ۵: ۱۸). بنابراین در یهودا ۱۹ می‌خوانیم «همین‌ها... نفسانی و عاری از روحند.»

چه سنجش خوفناکی است «اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، از آن او نیست» (رومیان ۸: ۹). افراد نفسانی روح مسیح را ندارند و از آن او نیستند. درست است که نوح، مرد خدا، یک‌بار مرتکب این گناه شد، اما این خطا همان‌طور که تئودورِت به درستی می‌گوید: «از عدم تجربه ناشی شد، نه از عدم اعتدال»؛ از عدم تجربه نیرو و قدرت موجود در انگور ناشی شده است، نه از افراط. به علاوه، هرگز نمی‌بینیم که نوح دوباره مرتکب مستی شود. اما شما این گناه را می‌شناسید و همچنان ادامه می‌دهید! ای موجود بیچاره! روح مسیح نمی‌تواند در شما ساکن شود. خداوند شما را مدد می‌کند تا با اندوه، این را در قلب خود جای بدهید!

### استدلال شماره ۷

این گناه با مصیبت‌ها و خطرات مخوفی همراه است که مانند ابرهای متراکم سیاه آماده‌اند تا بر سر چنین گناهکارانی آتش جزا ببارانند.

همان‌طور که مقدسین را وعده‌ها احاطه کرده است، خطرات نیز گرداگرد شما اردو زده‌اند؛ «وای بر آنان که سحرگاهان برمی‌خیزند تا در پی مُسکِرَات روند، و شب تا



دیرگاه بیدار می مانند تا شراب ایشان را گرم کند» (اشعیا ۱۱:۵). سپس (اشعیا ۲۸:۱-۲) «وای بر تاجِ فخر میگسارانِ اِفرایم، و بر گُلِ پژمردنیِ زیباییِ پر جلالش، که بر سرِ وادیِ حاصلخیزِ مغلوبانِ شراب است! هان خداوند کسی نیرومند و توانا دارد، که چون توفانِ تگرگ و تندبادِ ویرانگر، و همچون رگبارِ بارانِ شدید و سیلِ آسا، آن را به دست خود بر زمین خواهد افکند.» آیات بسیار دیگری نیز هستند که در این کتاب کوچک نمی گنجند. تصور کنید، چقدر می تواند ترسناک باشد که زیر این بلایایی که از جانب خدا نازل شده اند، قرار بگیرید. ای گناهکار! عاجزانه از تو می خواهم که اینها را خوار نشماری، چون تاوان سنگینی خواهند داشت. مطمئن باشید که هیچ یک از این بلایا بر زمین نخواهند افتاد، بلکه همگی بر سر شما آوار خواهند شد مگر اینکه توبه کنید.

بلایایی هستند که انسان بر سر خود می آورد و بلایایی هم هستند که خدا نازل می کند؛ آنچه از جانب خدا نازل می شود، بلایای حقیقی هستند و روزگار کسانی که بر آنها نازل می شوند را سیاه می کنند. به قول کسی، بلایای دیگر فقط پوست را لمس می کنند، اما این بلایا روح را می خراشند. سایر بلایا موقتی هستند، اما اینها بلایای ابدی اند. مصائب دیگر، بین ما و آرامش ظاهری ما دیوار می کشند، اما اینها تا ابد بین ما و خدا قرار می گیرند.

## استدلال شماره ۸

مستی از گناهان بزرگی است که سایر گناهان را با خودش همراه می‌کند. مانند سیلی ناغافل است که انبوهی گل و لای با خود به همراه می‌آورد.

بنابراین، همان‌طور که ایمان در میان سایر موهبت‌های الهی بر دیگر فیض‌ها، برتری دارد؛ چرا که آنها را زنده کرده، برمی‌انگیزاند و قوت می‌بخشد، در میان سایر گناهان نیز مستی چنین است. آمسیوس<sup>۱</sup> به درستی می‌گوید: «مستی گناهی خاص نسبت به یک فرمان الهی خاص نیست، بلکه نقض کل شریعت است.» مستی نه تنها از مصونیت صرف نظر می‌کند، بلکه شهوات دیگر را احیاء کرده، برمی‌انگیزد و روح را در معرض زنا با آنها قرار می‌دهد.

۱. بله، مستی بستر گناهان دیگری را مهیا می‌کند. علت بسیاری از مشاجرات و نزاع‌های وخیم و مصیبت‌بار، همین گناه است. «وای از آن کیست و ولولِه از آن که؟ نزاع از آن کیست و ناله از آن که؟ زخم‌های بی‌سبب از آن کیست و چشمان سرخ از آن که؟» (امثال سلیمان ۲۳: ۲۹). نزاع‌ها و زخم‌ها تاثیرات معمول مجالس مستی هستند؛ وقتی عقل زایل شود و شهوت برانگیخته شود، انسان از چه تلاش‌هایی فروگذار خواهد کرد؟

۱. Amesius؛ خادم و فیلسوف پیوریتن انگلیسی.

۲. تمسخر و مذمتِ طریق‌های قوم خدا، «داوود ترانهٔ میگساران بود» (ر.ک مزمور ۱۲:۶۹).

۳. مستی آتش افروز بزرگ شهوت است؛ عیاشی و مستی را کنار هرزگی و نزاع پیدا می‌کنید (رومیان ۱۳:۱۳). 'جروم' می‌گوید: «هرگز گمان نکردم که فرد میگسار می‌تواند پرهیزکار باشد.»<sup>۲</sup> سلیمان نبی موضوع را به روشنی بیان می‌کند: «چشمانت چیزهای شگفت خواهد دید و دلت از چیزهای منحرف سخن خواهد گفت» (امثال سلیمان ۲۳:۲۳). در آیات بعدی می‌بینیم که سلیمان از میگساران حرف می‌زند. ممکن است به این دلیل که لشکری از آن پیروی می‌کند، جاد نامیده شود (یعنی مستی، فرد را به دنبال خود می‌کشاند و همیشه عده‌ای به دنبال آن هستند). به همین خاطر مستی را به درستی افساری در دست شیطان نامیده‌اند (پیدایش ۱۱:۳۰)؛ چرا که به واسطهٔ آن گناهکار را به هر سو که بخواهد می‌کشاند. کسی که مغلوب این گناه می‌شود، قادر نیست بر گناهان دیگر چیره شود.

اما اگر هیچ یک از مواردی که تاکنون گفته شد، شما را قانع نکرده است؛ امیدوارم دو مورد پیش رو فائق بیاید، مگر

---

۱. Jerome؛ الهیدان، مورخ، فیلسوف، مترجم و از مهم‌ترین شخصیت‌های مسیحی در قرون اولیه که به «جروم قدیس» معروف است. او بیشتر به خاطر ترجمهٔ کتاب مقدس از عبری به لاتین («وُلْگیت» امروزی) شناخته می‌شود.

2. Nunquam ego ebrium castum putabo

اینکه تمام حساسیت و منطق شما از دست رفته باشد. پس با استدلال نهم ادامه می‌دهیم.

### استدلال شماره ۹

در کتاب مقدس می‌بینیم که مستان برای هاویه مهر شده‌اند و مشخصهٔ موت بر آنهاست.

شما آنها را در کنار دیگر فرزندان مرگ خواهید یافت: «آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی‌عفتان، بت پرستان، زناکاران، لواط‌گران - چه فاعل و چه مفعول، دزدان، طمع‌ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد.» (اول قرنثیان ۹:۶-۱۰)

صاعقهٔ خوفناکی است اما او خواب نیست، بلکه مرده است که از چنین رعدی به خود نمی‌لرزد. خداوند اگناهکاران چگونه یارای روبه‌رو شدن با چنین آیاتی را دارند؟ ای روح! آیا به خاطر نوشیدن یک جام اضافی، خود را در معرض ریسک نوشیدن یک جام از خشم و غضب ناب خدا قرار می‌دهی؟ وقتی شراب در جام می‌درخشد و رنگین می‌شود به این فکر کنید که چه جام لرزانی برای شما در دستان خدا قرار دارد. اکنون باور نمی‌کنید، اما روزی می‌رسد که بهای این لذت‌های پست و حیوانی را درک خواهید کرد. آن آتش مانند افعی نیش خواهد زد! این خوشی کوتاه حیوانی به قیمت

بهشت و نهرهای لذتی که در دست راست خداست برای شما تمام خواهد شد.

### اعتراض

امیدوارم که توبه کنم، در آن صورت این متن نمی تواند مانع از نجات من شود.

### پاسخ

درست است. اگر خداوند شما را به توبه وا دارد؛ در آن صورت این متن مانعی در نجات شما ایجاد نمی کند. اما در مرحله آخر، برای اینکه شما را کاملاً هوشیار کنم و وجدان آرام و مطمئنتان را - که با امور نفسانی آشوب زده و تباه شده است - به لرزه درآورم، استدلال دهم را نیز عنوان می کنم.

### استدلال شماره ۱۰

مستی، گناهی است که به موجب قدرت آن، یا هیچ کس و یا عده اندکی، جان سالم به در برده و احیاء می شوند. به همین خاطر آگوستین آن را چاه هاویه می نامد. کسی که به این گناه اعتیاد پیدا کند به سختی بهبود می یابد. میگساری را نمی شناسم که بهبود یافته باشد. قدرت و نیروی به سلطه درآوردن روح، توسط مستی در دو چیز نهفته است: ۱. تبدیل به عادت می شود و ترک عادت موجب مرض

است.

یک نمونه از آن را در امثال سلیمان ۳۵:۲۳ می‌بینید: «مرا زدند و احساس نکردم! مرا کوفتند و نفهمیدم! پس کی بیدار خواهم شد تا جرعه‌ای دیگر بنوشم؟»

۲. همان‌طور که در هوشع ۱۱:۴ آمده، مستی عقل از سر می‌رباید؛ یعنی درک و منطق و هوش انسان را تحت تاثیر قرار داده و توانایی احیاء به واسطه مشورت را از او می‌دزد.

بر همین اساس است که آبیجایل با نابال سخن نمی‌گوید تا اینکه اثر مستی از سر نابال می‌پرد (اول سموئیل ۲۵:۳۶-۳۷).

قطعا تا اثر شراب از بین نرود، به هیچ مشورتی نمی‌توان ورود کرد. وقتی از کلئوستراتوس<sup>۱</sup> پرسیدند که آیا از مستی خود خجالت نمی‌کشی؟ او با قاطعیت پاسخ داد: «آیا از نصیحت کردن یک مست خجالت نمی‌کشی؟» این گفته بر این موضوع صحه می‌گذارد که هیچ آدم عاقلی به کسی که در شرایط مستی است، پند و اندرز نمی‌دهد. نه تنها آنها را نسبت به مشورت به موقع آگاه نمی‌کند، بلکه آنها را کور و مبتلا می‌کند؛ که این یک ضربه سنگین از جانب خدا برای آنهاست و راه را برای هلاکت ابدی آنها هموار می‌کند.

پس به طور کلی می‌توانید درک کنید که گناه مستی چه گرداب خطرناکی است. خواهش می‌کنم به خاطر خدا و تمام

۱. Cleostratus؛ ستاره‌شناس یونانی.

ارزشی که برای روح و جسم و دارایی تان قائل هستید از مستی برحذر باشید. به این ده استدلالی که در این کتاب برای شما فهرست کردم، بیندیشید. من باید به چند عذر و بهانه شما پاسخ می‌دادم. به مختصر بودنش اهمیت نمی‌دهم و این اولین اخطار را با شعر درخور و خلاقانه آقای جورج هرپرت از کتاب ایشان با نام «معبود»<sup>۱</sup> خاتمه می‌دهم:

سومین جام را که مهارش نمی‌کنی، منوش،

چون درونت جای گیرد، فرمانت نبرد دگر.

پیش از آن، بر آن چیره شو، هر طور که می‌خواهی؛

و آن شرمساری که بر تو تحمیل می‌کند، بر زمین بریز.

منصفانه‌ترین کاریختن آن بر زمین است،

که اگر نگهش دارم، مرا بر زمین خواهد زد.

کسی که مست است، ممکن است مادرش را بکشد،

با خواهرش همبستر شود، مهار خود را از دست داده است؛

توسط خودش طرد شده، هر نوع بدی

همراه با آن شراب، به رگ‌هایش سرازیر شود.

می‌خواهر، انسانیت خود را از دست می‌دهد و کنار می‌گذارد؛

تمام حقوق دنیوی را، جز آنچه از حیوانیت به دست آورده است.

آیا من، برای خوشحال کردن ذهن شراب‌آلود دیگری،

باید همه چیز خودم را از دست بدهم؟ خدا به من اندازه‌ای

داده، کمتر از کوزه و بدنش، آیا باید در آنچه او لذتی می‌یابد،  
دردی بیابم؟

در سومین جام توقف کن، اگر کنترلت را از دست دهی،  
آن وقت تو با حیایی، اما شراب گستاخ می‌شود.

اگر عقل، خوش‌گذرانان را تکان ندهد، اتاق را ترک کنند،  
(همه در یک کشتی غرق شده، راه‌های مختلف خود را تغییر  
می‌دهند).

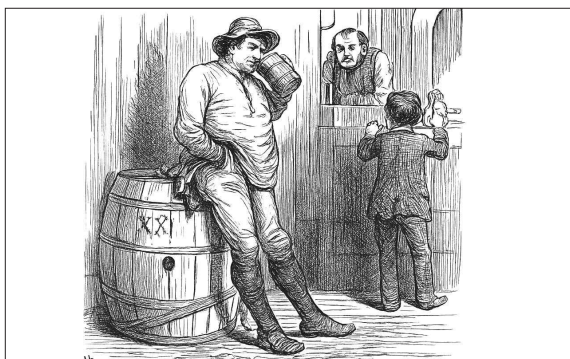
اجازه نده ویرانی مشترک، تو را دفن کند:  
در خوش‌رفتاری حیوان نباش، اما بمان،  
در سومین جام توقف کن، یا از این مکان چشم‌پوشی کن؛  
شراب، بیش از هر چیزی، مَهر خدا را از چهره می‌زداید.

متن کوتاهی که در باب شر مستی در ادامه آمده، از کتاب  
John Ploughman's Pictures; or, More of His Plain Talk  
for Plain People نوشته چارلز اسپرجن<sup>۱</sup> گرفته شده است.

---

۱. Charles Spurgeon؛ واعظ، شبان، نویسنده و مبشر بریتانیایی که مردم او  
را با لقب «شاهزاده واعظین» نیز می‌شناختند.





او چاهی زیر بینی خود دارد که همه پولش را در آن می‌ریزد.

این تصویر مردی است که همیشه تشنه است؛ تشنه است، چون زیاد از حد گلویش را تر می‌کند. مرد شُل و وارفته‌ای که دلش می‌خواهد محکم بایستد. او پیش از بینی، در جام فرو رفته و پولی که به حفرهٔ زیر بینی‌اش سرازیر شده، بالا نمی‌آید. با اینکه آهنگر نیست، اما شعله‌ای در گلویش دارد که همهٔ بشکه‌های صاحب میخانه هم نمی‌توانند آن را خاموش کنند. اگر یک خمرهٔ آبجو مساوی یک یارد زمین باشد، این مرد باید بیشتر از هکتارهایی که طی روزهای زیاد شخم زده شده را بلعیده باشد و آن قدر به بلعیدن ادامه می‌دهد تا بر زمین افتاده، در گل غوطه‌ور شود. همه چیز به پایین خیابان گاترلین لندن می‌رود. او مثل پاشلک<sup>۱</sup> با مکیدن، زندگی

۱. Snipe؛ پرنده‌ای با منقاری دراز و باریک که با آن در زمین‌های مرطوب و گلی، بی‌مهرگان را شکار می‌کند.

می‌کند. اگر از حال و احوالش بپرسید، می‌گوید اگر بتواند لبی تر کند، حالش کاملاً خوب می‌شود. دارایی او یک بطری، بانکش دخل میخانه، و تابوتش بشکه شراب است. قلع، فلز گرانبهای اوست و مشروبش ترکیب جین<sup>۱</sup> و آبجو<sup>۲</sup> است. شب‌نم جوانی او از بن نویس<sup>۳</sup> می‌آید و آرامی روحش، جین گرم است. او یک بشکه شراب در حال راه رفتن است، یک لوله فاضلاب زنده، یک تغار میگساری متحرک است. آنها می‌گویند: «هم از نوشیدن بیزارم، هم از ترک آن نفرت دارم.» این شخص نه برای شروع، نه برای خاتمه نیازی به ترغیب ندارد. در اینکه او می‌تواند دو پنی قرض بگیرد، بحثی نیست. این مرد این‌طور زیر آواز می‌زند:

کسی که یک زمین می‌خرد، صاحب سنگ و کلخ‌های آن هم می‌شود؛  
 کسی که گوشت می‌خرد، صاحب استخوان‌های آن هم می‌شود؛  
 کسی که تخم مرغ می‌خرد، صاحب پوسته آن هم می‌شود؛  
 کسی که شراب می‌خرد، صاحب هیچ چیز دیگری نمی‌شود؛

او هرگز به خاطر تمام نکردن شرابش به دار آویخته نمی‌شود.

۱. آبجوی ادویه‌دار.

۲. نوشیدنی الکلی به دست آمده از جو سیاه که قدرت مست‌کنندگی بسیاری دارد.

۳. Ben Nevis؛ بلندترین کوه زایر بریتانیا که در اسکاتلند واقع شده و به خاطر رطوبت زیادش معروف است.

وقت و بی وقت می نوشد. در تابستان به خاطر گرما و در زمستان به خاطر سرما می نوشد. هیچ وقت برای یک جرعه آبجو دیر نیست و او نیمه شب از خواب ناز بیدار می شود تا قدری بیشتر بنوشد و تلوتلو خوران به تخت خواب می رود. او شنیده است که خیس شدن پاها باعث سرما خوردگی می شود و اگر یک لیوان ویسکی در چکمه هایش بریزد، مانع آن می شود. حال این طور استنباط می کند که بهترین راه برای رساندن یک لیوان مشروب به هر چکمه، ریختن دو دوز است تا مابقی آن به ساق پایش سرازیر شود. او هرگز برای نوشیدن یک جرعه دیگر بهانه کم نمی آورد و یا اگر احیانا خودش نتواند بهانه تراشی کند، یک دائم الخمر دیگر به او کمک می کند.

برخی به سلامتی ورود دوستان می نوشند و برخی به سلامتی رفتنشان؛  
برخی به خاطر لاغری می نوشند و برخی به خاطر فربهی؛  
برخی به خاطر مرطوب بودن می نوشند و برخی به خاطر خشکی؛  
برخی یک گیلان دیگر می نوشند تا چشم دیگری را تر کنند؛

ایشان از آب کراهت دارند؛ چه برای خوردن و چه برای شست و شو. او بیش از همه از خوردن آب به تنهایی هراس دارد، مگر اینکه با مشروب مخلوط شود و در آن صورت نیز هرچه کمتر باشد بهتر است. او می گوید پمپ آب او را خواهد کشت، اما هرگز به آن فرصت نمی دهد. مشروبش را جرعه جرعه و با ولع می نوشد و لب هایش را می لیسد، اما

هرگز از بدی آب چاه نمی‌میرد. نوشیدن آب خنک نه کسی را بیمار می‌کند، نه مردی را مقروض و نه همسری را بیوه می‌کند. اما این آبجوی عالی، همه این کارها را برای شخص انجام می‌دهد. او را تا وقتی زنده است فرومایه‌تر از حیوان می‌کند و زودتر از موعد به سوی گور می‌فرستد. پیرمردی اسکاتلندی گفته است: «مرگ و ترک کردن شراب خواری، همسایگان یکدیگر هستند»، و درست هم گفته است. می‌گویند مستی، عده‌ای را احمق و عده‌ای را حیوان و عده‌ای را هم تبدیل به شیطان می‌کند، اما به عقیده من، شراب علی‌رغم هر کار دیگری که انجام می‌دهد، همه آنها را احمق می‌کند. با این حال وقتی مردی تا خرخره مست است، به قضاوت نشسته مردم هوشیار را به سخره می‌گیرد. برخی از همسایگانم به این دلیل که طرفدار منع مصرف مشروبات الکلی هستم، من را مسخره می‌کنند و احتمالاً من هم به مستی آنها حسابی بخندم؛ اما حقیقت این است که بیشتر دلم می‌خواهد برای نادانی و حماقتشان اشک بریزم. ای کاش آنها را هوشیار کنیم، شاید بشود از آنها انسانی بسازیم. شما کار چندانی نمی‌توانید در حق این افراد انجام بدهید، مگر اینکه آنها را در گارد گلد‌استریم<sup>۱</sup> ثبت نام کنید.

---

۱. The Coldstream Guards؛ قدیمی‌ترین هنگ در ارتش بریتانیا که به طور منظم و دائمی در حال خدمت است و در اکثر جنگ‌ها و درگیری‌های مهم و اصلی برای حفظ سلطنت بریتانیا در کنار ارتش جنگیده است.

اگر کسی بخواهد کار خوبی را انجام دهد،  
باید از دهانش شروع کند.

تا زمانی که نوشیدنی، وجدان و منطق شما را زایل می‌کند؛  
احتمال دارد با گرازها نیز هم صحبت شوید. این افراد فرومایه،  
منصفانه قول می‌دهند و به سلامتی می‌نوشند و کت‌های  
خود را گرو می‌گذارند تا آبجوی بیشتری بگیرند. ما به مردی  
که از شدت مستی تلوتلو می‌خورد، می‌خندیم چون موجود  
مسخره‌ای است اما وقتی می‌بینیم چطور جسم و روحش  
تباه می‌شود، دیگر خنده‌دار نیست. چقدر این حقیقت که  
میگساران، وارث حیات ابدی نخواهند شد؛ مهم و صریح  
است.

برای مردی که کاملاً مست است، گفتن یا انجام دادن  
هیچ کاری بد نیست. حیف است که هر فرد محترمی به  
چنین گنداب دون‌مایه‌ای نزدیک شود. اگر این شخص،  
مرتکب بدترین جنایت‌ها نمی‌شود از کوتاهی و قصور  
خودش نیست، بلکه او خود را برای هر آنچه شیطان بخواهد  
در ذهنش بکارد، آماده کرده است. کمترین آسیب را زمانی  
می‌زند که سرش شروع به سنگین شدن می‌کند و تلوتلو  
می‌خورد؛ در این زمان تبدیل به مرد نابینایی که چشم‌های  
سالم؛ و معلولی که پاهای سلامتی دارد، می‌شود. از ماه گرفته  
تا در میخانه را دوتایی می‌بیند و سعی می‌کند از هر دو در

وارد شود. بر زمین می افتد و باید دراز به دراز همان جا بخوابد مگر اینکه کسی او را با گاری به خانه یا ایستگاه پلیس ببرد. سلیمان نبی می گوید شکمبارگان و میگساران به فقر گرفتار خواهند آمد و عاقبت عیاشی، تهی دستی زود هنگام است.<sup>۱</sup> هرچه بیشتر می گذرد، بیشتر دچار انحطاط می شود و با قرمز شدن بینی و متورم شدن بدنش به موجودی بی خاصیت ترو بی رحم تر تبدیل می شود. فاتحه کسب و کارش خوانده است و اعتبارش را از دست داده، اما هنوز می تواند راهی برای به دست آوردن آبخو پیدا کند. دوستی قدیمی را به یک آبخو مهمان می کند و بعد متوجه می شود که کیف پولش را جا گذاشته است و صد البته که دوست قدیمی باید هزینه آبخو را بپردازد. او تا آنجایی قرض می گیرد که دیگر کسی حتی یک پول سیاه هم به او قرض نمی دهد؛ مگر اینکه برای خلاص شدن از قرض دادن تنها یک سکه باشد. هرچند همه کسانی که او را می شناسند، از او شرمسارند اما مدت هاست که شرم او ریخته است. کلمات مثل آب، از دهانش جاری می شوند و وقتی مست آبخو است، خیلی مهربان است و قسم می خورد که شما را خیلی دوست دارد و دلش می خواهد به سلامتی شما بنوشد و دوباره عاشق شما شود. این بیچاره دائم الخمر، هر کسی را که مورد لطف و دعای خود قرار دهد، بدبخت می کند. همسر

و خانواده نگون بخت او از این دعا‌های خیرخواهانه اش به اندازه کافی شنیده اند و با هر صدای او بر خود می لرزند. حال اگر بخواهیم برای بسته شدن یک میخانه اقداماتی انجام بدهیم یا ساعات سرویس دهی آن را کم کنیم، هر وصله ناجوری را به ما می چسبانند و نتیجه این می شود که: «می خواهید آبجو را از یک مرد بیچاره بگیرید؟» واقعیت این است که آنها دارند با آبجو مرد بیچاره را غارت می کنند. سبوی شراب، میز و کابینت غذا را چپاول می کند، زن را گرسنه نگه می دارد و فرزندان را عریان می کند. شراب، یک دزد خانه خراب کن و دل خون کن بزرگ است. بهترین کار این است که آن سبو را هزار تکه کنید یا آن را به صورت وارونه در قفسه نگه دارید.

در روزنامه ای که دیروز به من قرض داده شد، چند بیت از جان بارلی کورن<sup>۱</sup> خواندم و چون تصورات من را تحریک می کرد، آنها را در ادامه نوشتم:

چه؟! آبجو را از مرد بیچاره بگیرید؛

به جای آن، غذای خوب به او بدهید!؟

قلب شما خیلی سخت است، آقا، می ترسم؛

یا حداقل در سر عقل ندارید.

چه؟! لیوان او را از مرد بیچاره بگیرید؛

و به او خانه ای برای خودش بدهید؟

با آشپزخانه و اتاق نشیمنی دنج!  
این برای اینکه اشک یک سنگ را در بیاورد، کافی است.  
چه؟! مرد بیچاره را از لیوانش محروم کنید؛  
و به او خواندن و نوشتن یاد بدهید!  
نجاتش دهید که احمق نباشد!  
این چیزی جز بدجنسی و کینه توزی نیست.

احساس عجیبی در انسان می آفریند و من از شما ممنونم که  
آن را تلطیف می کنید.

بعد از اینکه به شما یک ترانه دادم، حال یک برگه تبلیغاتی  
به شما می دهم؛ اگر صاحبخانه دنبال آگهی تبلیغاتی باشد،  
می تواند آن را پشت پنجره Rose and Crown بچسباند.  
سال ها پیش نوشته شده، اما هنوز به خوبی یک آگهی  
جدید است. هر فروشنده آبجو که فکر می کند این آگهی  
کسب و کارش را روبه راه می کند، می تواند آن را چاپ کند.

مستان این را بخوانند

مستی

عقل را مرخص می کند

جسم را به بیماری دچار می کند

قوت را به ضعف بدل می کند

خون را به جوش می آورد

دلیل زخم های داخلی، خارجی، همیشگی و لاعلاج است



افسونگر منطق، ابلیسی که به جان روح افتاده،  
دزد دارایی، هادی رسیدن به گدایی، هرزگی، شرارت مستی،  
دلیل مصیبت همسر و اندوه فرزندان است،  
باعث می شود یک مرد مثل حیوان در گِل بغلتد،  
مثل یک احمق رفتار کند،  
فرد مست، قاتل خودش است که برای سلامتی دیگران می نوشد،  
و خودش را از خودش می دزدد.



## درآمدی بر جان فلاول، نوشتهٔ مارتین لوید جونز

جان فلاول ۱۶۲۸-۱۶۹۱ پسر یک خادم پیوریتن بود که به دلیل عدم سازش در زندان درگذشت. او تحصیل کردهٔ دانشگاه آکسفورد بود و تقریباً تمامی دوران خدمت خود را در دارتموت دوان فعالیت کرد. فلاول علی‌رغم تمام خصایص سنتی خود، مانند باور به اینکه موعظه باید آتشین، کاوشگر و تفسیری باشد، از توانایی والایی در ادغام آموزش و جذب قلب‌ها برخوردار بود. احتمالاً پیوریتن‌هایی هستند که از او بیشتر می‌دانند یا متبحرترند، اما در سودمندی همه‌جانبه، هیچ‌کس به گرد پای فلاول نمی‌رسد. چاپ مجدد آثار فلاول یکی پس از دیگری گواه بر محبوبیت او هستند؛ مجموعه آثار او پنج بار در قرن هجدهم و حداقل سه بار در قرن نوزدهم

منتشر شد. او از نویسندگان محبوب جاناتان ادواردز<sup>۱</sup> و جورج وایت فیلد<sup>۲</sup> بود. جورج وایت فیلد، فلاول را هم‌ردیف جان بانیان<sup>۳</sup> و متیوهنری<sup>۴</sup> قرار می‌داد. در قرن بعدی، فلاول قلب رهبران انجیلی اسکاتلندی مثل آندرو بونا<sup>۵</sup> و ام – چین<sup>۶</sup> را فتح کرد. اما فلاول بیشترین محبوبیت خود را در خانه‌های مسیحی کسب کرد و بر نسل‌های در حال رشد و بلوغ تاثیر گذاشت. آرچیبالد الکساندر<sup>۷</sup>، اولین استاد دانشکده الهیات پرینستون، در نوجوانی آثار فلاول را مطالعه کرد و در اواخر عمر خود نوشت: «بی تردید بیش از هر نویسنده‌ای خارج از کتاب مقدس به جان فلاول مدیون هستم.»

شش جلد کتاب او به تنهایی کتابخانه‌ای از برترین الهیات پیوریتن هستند و گنجینه‌ای مادام‌العمر برای صاحبان خود خواهند بود. فلاول از معدود نویسندگان انجیلی است که می‌تواند با صراحت و بی‌شیله‌پیلگی خود به آنان که در ابتدای زندگی مسیحی هستند، یاری برساند و در عین حال همراهی محکم برای کسانی باشد که به پایان زندگی مسیحی خود نزدیک می‌شوند. با مطالعه مجموعه آثار او برای سال‌ها از وی به عنوان صمیمی‌ترین و باتجربه‌ترین نویسنده پیوریتن یاد کردم. آثار او همچنان خواندنی هستند.

1. Jonathan Edwards  
3. John Bunyn  
5. Andrew bonar  
7. Archibald Alexander

2. George Whitefield  
4. Matthew Henry  
6. M, Cheyne

## پشت‌نویسی‌ها

آثار فلاول عناوین جالبی دارند و مملو از سخنان شایان توجه، نقل‌قول‌های بجا و تصاویر ساده هستند. شبانی را می‌شناسیم که ده‌ها سال است مطالعه صبحگاهی موعظات و کتاب‌های فلاول، حساسی باعث برکت او شده است. هر زمان جلد ششم را تمام می‌کند، دوباره سراغ جلد اول می‌رود. اگر فقط توانایی خرید چند مجموعه از آثار پیوریتن‌ها را دارید، نوشته‌های فلاول را حتما در لیست خود جای بدهید.

– تُل لج، کاتالوگ کتاب‌های میراث اصلاحات

به نظر من هم خادمین و هم اعضای عادی کلیسا در این متون شاهد ضیافتی از نیکویی‌ها خواهند بود. وعظ‌های فلاول طولانی نیستند، اما نمونه‌های برتری از تفسیر و کاربرد ارائه می‌دهند. واعظان به طور خاص موضوعات مفید، مجموعه موعظات و سایر کمک‌های ارزشمندی را پیدا می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آنها تحلیل فلاول از شرایط روحانی است. تمامی نوشته‌های او مطابق با کتاب مقدس است. این کتاب‌ها به عنوان گنجینه روحانی الهیات پیوریتن با این صحافی و چاپ عالی بهای اندکی دارند. خرید آثار فلاول نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است، زیرا با خرید آنها سود زیادی برای یک عمر یا حتی بیشتر عاید خریدار می‌شود.

– عضو کلیسای انگلیسی

مکاشفہ

اگر از خواندن این کتاب کوچک لذت بردید، شما را تشویق می‌کنیم تا مجموعه کامل پیوریتن‌های جیبی را نیز که در «نشر مکاشفه» ترجمه و منتشر شده تهیه و مطالعه کنید. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این عناوین و سایر عناوین تهیه‌شده در «نشر مکاشفه»، به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

[www.mokashefeh.com](http://www.mokashefeh.com)



کتاب «افراط در نوشیدن» اثر جان فلاول (۱۶۲۸-۱۶۹۱). فلاول یکی از واعظین و خادمین کلیسای مشایخی انگلستان و نویسنده‌ای برجسته بین پیوریتن‌ها بود. او تحصیل کرده آکسفورد و از واعظینی بود که در «اخراج بزرگ» سال ۱۶۶۲ توسط پارلمان انگلستان از منصب خود خلع شد، اما همچنان در خفا به موعظهٔ انجیل ادامه داد.

فلاول در این کتاب به افراط در نوشیدن و مستی اشاره می‌کند. موضوعی که خیلی‌ها بر این باورند که پدیده و معضلی مدرن است، اما در حقیقت، معضلی قدیمی محسوب می‌شود و فلاول در این کتاب بدون تعارف و تخفیف به سراغ گناه مستی، عملی گناه‌آلود و مخرب می‌رود.



BANNER  
of TRUTH

